



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 36, Issue 3, No.99, 2025, pp 83-104

Received: 05.04.2025 Accepted: 10.05.2025

Research Paper

The Role of Childhood Abuse and Social Health on Bullying among Prisoners

Mahnaz Farahmand * 

Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran
farahmandm@yazd.ac.ir

Hanieh Tayebi

Master of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran
haniehtayebi@stu.yazd.ac.ir

Introduction

Bullying is a relatively common phenomenon among prisoners with both short-term and long-term negative consequences for the bully and the victim. It often manifests as a strategy to gain power and control over others. A significant factor influencing the development of aggressive and bullying behaviors is childhood abuse, which encompasses physical, emotional, and sexual abuse, neglect, and exposure to domestic violence. These experiences can adversely affect an individual's social health. Social health refers to a person's ability to establish positive and constructive relationships and feel a sense of belonging within society. Enhancing social health can help mitigate bullying behaviors. Research indicates that prisoners with adverse childhood experiences frequently struggle with communication and social belonging, leading them to engage in antisocial behaviors and bullying (Lemon, 2020). In this context, the present study sought to address the following key questions: What is the prevalence of bullying behavior among prisoners who commit violent offenses? What role do childhood abuse and prisoners' overall health play in the development of bullying behaviors? Answering these questions can provide deeper insights into the causes of violent behaviors and bullying in prisons, ultimately paving the way for practical solutions to reduce these issues.

Materials & Methods

The research strategy employed in this study was a survey. The statistical population consisted of male and female prisoners in the central prisons of Yazd and Shiraz. Given the limited number of prisoners in these facilities, a total of 350 individuals were surveyed based on specific criteria: having a criminal record, a history of childhood abuse, and willingness to participate. Data were collected using the Keyes Social Health Questionnaire, the Childhood Trauma Questionnaire, and the Olus Bullying Questionnaire. The distribution of the questionnaires was conducted in collaboration with prison officials, ensuring that ethical considerations were met by establishing trust and obtaining the full consent of the respondents. Data analysis was performed using SPSS software, employing descriptive statistical methods, Pearson correlation, and path analysis.

Discussion of Results & Conclusion

This study explored the phenomenon of bullying among prisoners in Shiraz and Yazd, analyzing the impact of childhood abuse and social health on this behavior. The findings revealed that 46.5% of prisoners reported moderate to high levels of bullying, while 53.3% reported low levels. The most common forms of bullying included the use of sexual epithets and gestures, as well as inciting hatred towards victims. Additionally, a significant proportion of prisoners in Shiraz and Yazd reported experiencing childhood trauma, with 79% indicating they had faced at least one instance of trauma and 45% having endured multiple incidents. Furthermore, 0.48% reported experiencing sexual assault, either once or more than once. The results confirmed that prisoners exhibiting higher levels of bullying behavior were more likely to have experienced childhood abuse and possess lower social health. Sociological theories, including Turner's theory of violence, Tajfel's social identity theory, and Bandura's social learning theory, helped explain this relationship. They emphasized that early life experiences

* Corresponding author

Farahmand, M., & Tayebi, H. (2025). *The role of childhood abuse and social health on bullying among prisoners*. *Journal of Applied Sociology*, 36(3), 83-104. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.144837.2625>



significantly influenced an individual's social interactions and future violent behaviors. Additionally, the theories proposed by Putnam and Agnew highlighted the role of social stimuli and psychological pressures in the development of bullying behavior. Ultimately, this research underscored the necessity of implementing social and educational interventions to

mitigate violent behavior in prisons. Providing social support and psychological counseling can effectively address the consequences of childhood abuse and help control bullying within these environments.

Keywords: Bullying, Child Abuse, Social Health, Prisoners.



مقاله پژوهشی

نقش آزار در کودکی، سلامت اجتماعی بر پدیده قلدری در بین زندانیان

مهناز فرهمند*، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

farahmandm@yazd.ac.ir

هانیه طیبی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

haniehtayebi79@gmail.com

چکیده

قلدری پدیده‌ای نسبتاً شایع در میان زندانیان است که می‌تواند عواقب کوتاه‌مدت و بلندمدت نامطلوبی برای افراد قلدر و قربانی در پی داشته باشد؛ بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ در همین راستا، پژوهش حاضر رابطه آزار در کودکی بر سلامت اجتماعی و قلدری را در دو زندان شیراز و یزد بررسی کرده است. روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و جامعه آماری را زندانیان مرد و زن زندان‌های مرکزی شهر یزد و شیراز تشکیل داده است. به دلیل محدود بودن تعداد زندانیان در این دو زندان مطالعه به صورت تمام‌شماری با تعداد ۳۵۰ نفر بررسی شدند. داده‌های تحقیق از طریق پرسش‌نامه سلامت اجتماعی کیبیز، ترومای کودکی، قلدری اولوئوس جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای آزار کودکی، سلامت اجتماعی با قلدری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که افزایش آزار کودکی تأثیر درخور توجهی بر قلدری دارد و زندانیانی که رفتارهای قلدرمانه بیشتری در زندان از خود بروز می‌دهند، در کودکی آزار بیشتری را تجربه کرده‌اند و آزار کودکی، سلامت اجتماعی آنان را نیز متأثر کرده است. این نتایج، نیاز به مداخلات حمایتی و درمانی را می‌طلبد تا اعمال خشونت‌های فردی و اجتماعی تعدیل شوند.

واژه‌های کلیدی: قلدری، آزار در کودکی، سلامت اجتماعی، زندانیان

* نویسنده مسؤول:

فرهمند، مهناز و طیبی، هانیه. (۱۴۰۴). نقش آزار در کودکی، سلامت اجتماعی بر پدیده قلدری در بین زندانیان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۶(۳)، ۸۳-۱۰۴.

<https://doi.org/10.22108/jas.2025.144837.2625>



مقدمه و بیان مسئله

قلدری در زندان‌ها به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فردی، نه تنها بر زندگی زندانیان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به‌عنوان چرخه‌ی مداومی از آسیب و خشونت در جامعه شناخته شود. از منظر جامعه‌شناختی این پدیده ریشه در ساختارهای اجتماعی، روابط قدرت و شرایطی دارد که زندانیان در آن زندگی می‌کنند. در محیط زندان، که به دلیل شرایط بسته و فشارهای ناشی از محرومیت از آزادی، روابط قدرت و سلسله‌مراتب اجتماعی به‌شدت تشدید می‌شود، قلدری به‌عنوان یک استراتژی برای کسب قدرت و کنترل بر دیگران ظاهر می‌شود. در این میان به آزار در کودکی به‌عنوان یکی از عوامل مهمی توجه می‌شود که بر شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه و قلدرمآبانه تأثیر می‌گذارد. این تجربیات که شامل سوءاستفاده‌های جسمی، عاطفی، جنسی، غفلت و قرارگرفتن در معرض خشونت خانگی است، می‌تواند به شکل‌گیری سلامت اجتماعی ضعیف در افراد منجر شود و آنها را مستعد رفتارهای ضداجتماعی و قلدرمآبانه در بزرگسالی کند.

قلدری در اصل رفتاری خشن، آزاردهنده و تکراری است که توسط فرد یا گروهی از افراد برای آسیب‌رساندن به دیگران، از نظر جسمی یا روانی، بدون دلیل موجه انجام می‌شود (Hikmat et al., 2024). این رفتار از نیاز به سوءاستفاده از قدرت بر ضد دیگران و میل به تسلط بر آنها نشئت می‌گیرد و یک نابرابری قدرت بین قلدر و قربانی به وجود می‌آورد (عدیلی و سردرای، ۱۳۹۹: ۱۰۶). صاحب‌نظران ویژگی‌های اصلی زندانیان قلدر را خشونت و رفتار سلطه‌گرانه می‌دانند (Hassan, 2023). به نظر می‌رسد مرتکبین رفتار قلدری در مذاکراتشان قدرت همدلی ندارند (López-Pérez et al., 2015)، از سازگاری اجتماعی ضعیفی برخوردارند (Hikmat et al., 2024)، از مشخصه‌ی خصومت‌ورزی زیادی برخوردارند (Holland et al., 2009) و فاقد مهارت‌های جایگزین برای حل تعارض هستند (López-Pérez et al., 2015). تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد از زندانیان جوان درگیر رفتارهای قلدری در محیط زندان می‌شوند (Hassan, 2023). دیگر مطالعات نشان می‌دهد که درصد زیادی از افراد زندانی آزار کودکی را تجربه

کرده‌اند، به‌طوری‌که ۸۴.۲٪ از زندانیان مرد در ولز حداقل یک مورد ترومای کودکی را گزارش کرده‌اند، و ۴۵.۵٪ نیز چهار مورد یا بیشتر را تجربه کرده‌اند (Ford et al., 2020).

از دیدگاه جامعه‌شناختی، سلامت اجتماعی به‌عنوان بُعد مهم از سرمایه‌ی انسانی، نقش کلیدی در تعیین رفتارهای زندانیان و خشونت در محیط زندان ایفا می‌کند. سلامت اجتماعی که به توانایی فرد برای برقراری روابط مثبت و سازنده با دیگران و احساس تعلق به جامعه اشاره دارد، نیز می‌تواند به کاهش رفتارهای قلدرمآبانه کمک کند. تحقیقات نشان می‌دهد که زندانیانی که تجربیات نامطلوب کودکی داشته‌اند، بیشتر با ضعف ارتباطی و تعلق اجتماعی مواجه هستند که می‌تواند آنها را به سمت رفتارهای ضداجتماعی و قلدری سوق دهد (Lemon & Hayes, 2020; Sheffler et al., 2020). تحقیقات مؤید آن است که کودکانی که در سنین اولیه در فضای خانوادگی و تعاملات غیررسمی آزار می‌بینند و از رفتارهای محبت‌آمیز و مراقبتی خانواده محروم شده و به‌کرات مورد غفلت، توهین، تحقیر و سرزنش واقع می‌شوند (Tomlinson et al., 2024) بیشتر حامل احساس انتقام هستند (Lambie & Reil, 2020). درد و رنجی که زندانیان به‌سبب آزار کودکی تجربه می‌کنند، باعث بروز رفتار توأم با قلدری و قدرت می‌شود (Burke et al., 2022). تعلقات اجتماعی را تضعیف می‌کند. زندانیان با تجربه آزار کودکی در درک تعاملات اجتماعی ضعیف هستند، در بین دوستان محبوب نیستند (Arseneault et al., 2010)، از اعتماد پائینی به دیگران برخوردارند، بیشتر به خانواده‌های ناکارآمد تعلق دارند (Lereya et al., 2013) و بیشتر با فقر تعاملی و ارتباطات اجتماعی مواجه هستند. قلدری در دوران کودکی نیز با مشکلات سلامتی درازمدت، با محدودیت‌های فعالیت در بزرگسالی مرتبط است (Momose & Ishida, 2024).

قلدری به‌عنوان پدیده‌ی اجتماعی-فردی، تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه دارد که می‌تواند به افزایش خشونت، کاهش سلامت روانی و تضعیف ساختارهای اجتماعی منجر شود. درحالی‌که قلدرها ممکن است به رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه گرایش پیدا کنند، در سطح اجتماعی، قلدری می‌تواند به

پیامدهای گسترده‌ای بر پویایی اجتماعی و اقتصادی جامعه داشته باشد. با وجود اهمیت آمارهای مربوط به زندانیان هنوز اطلاعات جامع و رسمی نه‌تنها در زمینه آمار زندانیان، همچنین درباره وضعیت اجتماعی، روانی و ویژگی‌های رفتاری آنان، به‌ویژه در رابطه با پدیده‌هایی نظیر قلدری زندانیان، در دسترس نیست. فقدان این اطلاعات پژوهشگران را بر آن داشته تا عوامل مرتبط با رفتارهای قلدرمآبانه و ریشه‌های آن در میان زندانیان را بررسی کنند؛ در همین راستا، تحقیق حاضر سعی دارد به پرسش‌هایی کلیدی پاسخ دهد: میزان رفتار قلدری در میان زندانیان مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز چقدر است؟ رابطه میان آزار دوران کودکی و سلامت زندانیان چیست؟ نقش آزار کودکی و سلامت زندانیان در شکل‌گیری رفتارهای قلدرمآبانه چیست؟ این پرسش‌ها می‌توانند به درک عمیق‌تری از علل رفتارهای خشونت‌آمیز و قلدری در زندان‌ها کمک کنند و زمینه‌ساز ارائه راهکارهای کاربردی برای کاهش این رفتارها شوند.

پیشینه پژوهش

بررسی کلی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که قلدری میان زندانیان، پدیده‌ای پیچیده و تأثیرگذار در محیط‌های زندان است که می‌تواند بر سلامت فردی و اجتماعی تأثیرات جدی بگذارد. با وجود اینکه در ایران تحقیقات بسیار محدودی درخصوص بررسی پدیده قلدری در زندان‌ها صورت گرفته، هیچ مطالعه‌ای به‌طور خاص به رابطه بین قلدری بین‌فردی، تجارب کودکی و سلامت زندانیان نپرداخته است. این مطالعه با هدف شناخت دقیق‌تر رفتار قلدری در زندان‌ها، ابعاد، علل، پیامدها و روش مقابله با آنان انجام شده است. در ادامه تحقیقات داخلی و خارجی کم‌وبیش مرتبط با این موضوع بررسی خواهد شد.

خلیلی‌نژاد رشت‌آباد و همکاران (۱۴۰۳) با هدف تعیین رابطه تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با قلدری سایبری با تعداد ۳۸۰ نمونه نشان دادند که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی تأثیر معنادار بر قلدری سایبری دارد و افراد آسیب‌دیده در دوران کودکی مستعد قلدری سایبری در فضای مجازی

تضعیف انسجام اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی و افزایش ناامنی بینجامد. این پدیده می‌تواند روابط بین‌فردی را تخریب کند و فضای جامعه را به سمت بی‌اعتمادی و انزوا سوق دهد (Putnam, 2000). در محیط‌های بسته مانند زندان‌ها، قلدری نه‌تنها به تشدید رفتارهای خشونت‌آمیز منجر می‌شود، بلکه پس از آزادی زندانیان، این رفتارها می‌تواند به جامعه بازگردد و چرخه‌های معیوب خشونت را تقویت کند. این امر به‌ویژه در جوامعی که با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند، می‌تواند به تشدید نابرابری‌ها و افزایش شکاف‌های اجتماعی بینجامد (Wilkinson & Pickett, 2009). خشونت می‌تواند به کاهش بهره‌وری نیروی کار منجر شود (Glaeser & Sacerdote, 1999)، امنیت ذهنی و عینی را کاهش دهد و اثربخشی اجتماعی، توانمندسازی و قابلیت‌های فردی-اجتماعی را متأثر سازد و از همه مهم‌تر، منجر به اختلال رابطه‌ای شود و هزینه‌های خدماتی و درمانی درخور توجهی برای جامعه به همراه آورد (WHO, 2002)؛ از این رو، مطالعه قلدری در زندانیان نه‌تنها به درک بهتر این پدیده در محیط‌های خاص کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به طراحی مداخلاتی برای تقویت انسجام اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و کاهش خشونت در جامعه گسترده‌تر منجر شود. با شناسایی عوامل مؤثر بر قلدری و ارائه راهکارهای پیشگیرانه می‌توان به کاهش پیامدهای منفی این پدیده در جامعه و ایجاد محیط‌های امن‌تر، سالم‌تر و همبسته‌تر کمک کرد.

طبق آخرین گزارش رسمی مرکز بین‌المللی زندان‌ها، تعداد زندانیان در ایران تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۲۸ هزار نفر از جمعیت ۸۳ میلیونی کشور برآورد شده است؛ این در حالی است که در سال ۲۰۱۴ جمعیت زندانیان حدود ۲۲۵ هزار نفر بوده است. این آمار نشان‌دهنده افزایش تعداد زندانیان طی سال‌های اخیر در کلان‌شهرهای ایران است؛ ولی آمار رسمی و غیررسمی در این زمینه در دسترس نیست (International Center for Prison Studies, 2020). آمار و ارقام زندانیان دو شهر یزد و شیراز نیز از این مسئله مبرا نیستند. مطمئناً با افزایش زندانیان و ورود به زندان‌ها، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی کاهش می‌یابد و این موضوع می‌تواند

پژوهشی با عنوان «اثر بخشی آموزش مهارت‌های خودمدیریتی بر رفتار قلدری و مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان پسر زندانی» به بررسی و تحقیق پرداختند. این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی بوده و با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون در قالب گروه آزمایش و گروه کنترل انجام شده است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پسر زندانی شهر تبریز بود که از میان آنها ۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به دو گروه آزمایش و کنترل (۲۵ نفر در هر گروه) تقسیم شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش مهارت‌های خودمدیریتی می‌تواند رفتارهای قلدری دانش‌آموزان را کاهش داده و مقبولیت اجتماعی آنان را افزایش دهد. عرب‌نژاد و یزدان‌پناه (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی پیمایشی در یک نمونه ۱۲۳ نفری از زندانیان شهر کرمان به این نتیجه رسیدند که جرائم خشونت‌آمیز نظیر قتل و ضرب و جرح در میان مردان بیشتر از زنان شایع است. یافته‌های آنان حاکی از آن است که جوانانی که سابقه خشونت دارند، بیشتر مجرد و عضو گروه‌های نزاع هستند، سابقه اخراج از مدرسه دارند، پرخاشگری را راهی برای حل مسائل می‌دانند، جرم خود را توجیه می‌کنند، به تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز علاقه نشان می‌دهند و میزان مصرف الکل، قرص اکستازی و مواد مخدر در بین آنها بیشتر است. همچنین، تحقیقی با عنوان «مصونیت‌یابی در زندان از طریق توسل به خشونت» توسط رهنورد واقف و همکاران در سال (۱۴۰۲) انجام شده است. این پژوهش با روش کیفی و با مشارکت ۲۰ نفر از زندانیان یکی از زندان‌های استان‌های شمالی کشور انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که پیش‌فرض‌های فرهنگی بازتولید شده در فرهنگ زندان، به‌طور کلی موجب شکل‌گیری ذهنیتی مبنی بر مصونیت‌یابی از طریق توسل به خشونت می‌شود و زندانیان به این باور فرهنگی می‌رسند که برای حفظ خود، ناگزیر به استفاده از خشونت هستند.

هان لیو و همکاران^۱ (2022) در پژوهش خود نشان دادند که اثرات طولانی‌مدت تجارب نامطلوب دوران کودکی بر سلامت، رفاه و نتایج زندگی تأثیر منفی می‌گذارد. آنها

هستند که صفات سه‌گانه تاریک شخصیت نیز نقش معناداری در پیش‌بینی قلدری سایبری در نوجوانان دارد. تحقیق ایار و افرا (۱۴۰۱) در بین جوانان شهر ایلام با روش پیمایش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی و حمایت اجتماعی با رفتارهای خشونت‌آمیز جوانان رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. آنها نتیجه گرفتند که رفتارهای خشونت‌آمیز جوانان نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی است. هر چه قدر احساس حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی در بین افراد وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و تأثیر بازدارنده‌ای بر گسترش رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه خواهد داشت. شادمفعت و رحمتی (۱۴۰۱) با نمونه ۳۸۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه گیلان با نمونه‌گیری در دسترس چرایی درگیری کاربران شبکه‌های اجتماعی را در قلدری سایبری با استفاده از تئوری کنش موقعیت‌مند بررسی کردند. نتایج نشان داد که خودکنترلی پایین، اخلاقیات ضعیف و بستراخلاقی انحرافی تأثیر معناداری بر مشارکت دانشجویان در قلدری سایبری دارد. همچنین، سطح تحصیلات، سن، وضعیت تأهل و جنسیت احتمال افزایش قلدری سایبری را ارتقا می‌بخشد. افزون بر آن، تمایلات کج‌روانه رابطه بستر مجرمانه و قلدری سایبری را تعدیل می‌کند. ذوقی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی ارتباط میان خودشیفتگی و قلدری را بررسی کرده‌اند. این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بوده و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پسر پایه اول دوره راهنمایی در شهر رودهن بود که از میان آنها ۱۶۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که وضعیت سلامت افراد تأثیر منفی و معناداری بر رفتار قلدری دارد و ارتباط میان خودشیفتگی و قلدری تأیید شد. در تحقیق فرمند و شرونی (۱۴۰۰) که با استفاده از تکنیک پیمایش بر روی ۳۰۰ زندانی در شهرهای بوشهر و یزد انجام شد، مشخص گردید زندانیانی که از میزان دین‌داری کمتری برخوردار بودند، احساس تنهایی اجتماعی و ناکامی بیشتری را تجربه می‌کردند؛ در نتیجه، رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری از خود نشان می‌دادند. دهستانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در

¹ Han Liu et al.

کودکی تجربه کرده بودند، بیشتر تمایل به استفاده از خشونت فیزیکی به عنوان ابزار تربیتی داشتند. همچنین، این والدین خشم بیشتری گزارش دادند و کودکانی که از این والدین مراقبت می‌کردند، در معرض خشونت بیشتری قرار داشتند. این پژوهش تأثیر منفی آسیب‌های دوران کودکی را بر سلامت روان و تمایلات خشونت‌آمیز والدین نشان می‌دهد و بر ضرورت مداخلاتی برای کاهش این تأثیرات و جلوگیری از انتقال بین‌نسلی خشونت تأکید می‌کند. گوسن و همکاران^۴ (2023) در پژوهشی با بررسی قربانی‌شدن در زندان ابعاد بزه‌دیدگی و جو زندان را در زندان‌های بلژیک بررسی کردند. پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون دو متغیره و چندمتغیره، نمونه‌ای از ۱۰۰۶ زندانی را بررسی کرد. سه بُعد جو زندان شامل روابط، ایمنی و استقلال تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که ابعاد جوی زندان، علاوه بر عوامل خطر دیگر، به طور چشمگیری در توضیح قربانی‌شدن زندانیان نقش دارد. این مطالعه بر تئوری‌های محرومیت و فشار برای درک خشونت زندان و بر لزوم سرمایه‌گذاری در بهبود شرایط فضای زندان، مانند امنیت پویا از طریق روابط تأکید می‌کند. میلنز و همکاران^۵ (2022) با داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق ۴۱ گروه متمرکز با تعداد ۳۵۲ مرد و زن جوان ۱۳ تا ۱۸ ساله در پنج کشور اروپایی (بلغارستان، انگلستان، ایتالیا، لتونی، اسلوانی) با استفاده از روش تحلیل مضمون، پدیده قلدری را بررسی کردند. نتایج نشان داد که نقاط مشترک بسیاری بین قلدری و خشونت در روابط عاشقانه و آزار جنسی وجود دارد. آنها همچنین از مفاهیم رضایت برای تعیین اینکه آیا و چه زمانی اقدامات خاصی، قلدری محسوب می‌شوند، استفاده کردند. آنها دریافتند که رضایت در روابط همسالان جوان، جایگاه فرهنگی قلدری در رابطه با جنسیت و تمایلات جنسی را به درستی تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که این پدیده تا چه حد در روابط قدرت سلسله‌مراتبی جنسیتی ریشه دارد.

تحقیقات موجود در زمینه رفتار قلدرمآبانه در میان زندانیان، با وجود ارائه نتایج ارزشمند، همچنان با خلأهایی

دریافتند که داشتن یک دوست مشکل‌دار در دوران کودکی، مصرف الکل والدین و غیبت والدین با آسیب‌های دوران کودکی همبستگی مثبت دارد؛ براساس گزارش‌ها، میان پیشرفت تحصیلی افراد زندانی و تجارب نامطلوب کودکی آنها رابطه‌ای درخور توجه مشاهده شده است. برک و همکاران^۱ (2022) در پژوهشی با عنوان «تجارب نامطلوب دوران کودکی و مسیر خشونت رفتار برای زنان و مردان» به تحقیق پرداختند. داده‌ها نشان داد که بدرفتاری در دوران کودکی با خطر ارتکاب خشونت در آینده همراه است، اما رابطه بین زیرگروه‌ها و جنسیت بیولوژیکی ناشناخته است. داده‌ها نشان داد که افزایش ترومای دوران کودکی با افزایش خطر خشونت همراه بود. اگرچه مردان رفتار خشونت‌آمیزتری را نشان می‌دهند، رابطه بین تجربیات نامطلوب دوران کودکی و خشونت در بین زنان به طور چشمگیری قوی‌تر بود. مرین و همکاران^۲ (2023) رابطه میان تجارب ناخوشایند دوران کودکی و رفتارهای قلدری نوجوانان و پیامدهای آن بر رفاه جوانان را بررسی کرده‌اند. این مطالعه با مرور ۵۱ پژوهش از پنج پایگاه داده، ۱۱ نوع تجربه ناخوشایند کودکی را از جمله بدرفتاری، خشونت خانوادگی، و آزار فیزیکی در بازه زمانی ۱۹۹۹-۲۰۱۹ بررسی کرد. یافته‌ها نشان دادند که تجارب ناخوشایند، به ویژه تجارب تجمعی مانند بدرفتاری و خشونت خانوادگی با ارتکاب رفتارهای قلدری ارتباط مثبت دارند؛ با این حال، سوءاستفاده جنسی و جدایی والدین به طور مداوم با ارتکاب جرم مرتبط نبودند. همچنین، کودکانی که سوءاستفاده عاطفی را تجربه کرده بودند یا در سیستم‌های رفاهی زندگی می‌کردند، بیشتر به عنوان قربانیان رفتارهای قلدری شناخته شدند تا عامل آن. ترزیقول و آیهان^۳ (2023) در پژوهشی رابطه بین تجارب آسیب‌زای کودکی والدین و تمایلات خشونت‌آمیز آنان را با داده‌هایی از ۲۶۵ والدین بررسی کردند که به روش دسترس انتخاب شدند. نتایج نشان داد که ۹۱.۳٪ از والدین آسیب‌های دوران کودکی را تجربه کرده‌اند. والدینی که غفلت عاطفی و آزار جسمی را در

¹ Burke et al.

² Marin et al.

³ Terzigul & Ayhan

⁴ Gusen et al.

⁵ Milnes et al.

نمی‌شوند، بلکه از نظر اجتماعی «برساخته» شده و بافت اجتماعی و تعاملات میان فردی به شکل‌دهی و هدایت آنها کمک می‌کنند. ترنر بر این باور است که احساسات مثبت، به‌ویژه در تعاملات موفق اجتماعی می‌توانند خودپنداره افراد را تقویت و آنها را در مسیری باثبات نگه دارند؛ اما در مقابل، احساسات منفی همچون خشم، تحقیر، ناامیدی، آزار و اذیت می‌توانند خودپنداره را تهدید، تخریب یا بی‌ثبات کنند. او در بحث خشونت به ویژگی برانگیختگی عاطفی اشاره می‌کند و آن را عاملی کلیدی در انگیزش رفتار انسان می‌داند، به‌ویژه در رفتارهایی که با خشونت همراه است. ترنر توضیح می‌دهد که وقتی افراد در معرض برانگیختگی عاطفی شدید قرار می‌گیرند، به‌ویژه احساسات منفی مانند تحقیر، خشم و آزار را تجربه می‌کنند، احتمال دارد رفتاری نشان دهند که با خودپنداره معمولی آنها ناسازگار است. در چنین شرایطی، خشونت ممکن است به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن حس ثبات، کنترل یا بازسازی عزت نفس عمل کند. او استدلال می‌کند که خشونت شدید بیشتر زمانی رخ می‌دهد که افراد برانگیختگی عاطفی شدیدی را تجربه می‌کنند؛ به‌طوری‌که خودپنداره آنها مختل می‌شود و ممکن است با خشونت و قلدری به‌عنوان راهی برای بازگرداندن حس خود یا بازیابی کنترل بر موقعیت واکنش نشان دهند. این امر به‌ویژه در زمینه‌هایی صادق است که خشونت به‌عنوان پاسخی مشروع یا مورد انتظار به پریشانی عاطفی تلقی می‌شود (Turner, 2007: 521-525). ترنر باور دارد که برای ایجاد برانگیختگی احساسی در فرد، ابتدا باید انتظارات خاصی در ذهن او به موقعیت‌های اجتماعی شکل گرفته باشد. این انتظارات در واقع پیش‌بینی‌هایی هستند که فرد از اتفاقاتی دارد که در موقعیتی خاص قرار است رخ دهد. این انتظارات ممکن است از منابع مختلفی نشئت بگیرند و بر رفتار فرد و واکنش او به دیگران تأثیر بگذارند. ترنر تأکید دارد که احساسات زمانی به‌طور مؤثر برانگیخته می‌شوند که میزان همخوانی یا ناهمخوانی میان آنچه فرد انتظار دارد و آنچه در واقع تجربه می‌کند، متفاوت باشد. هرچه میزان ناهمخوانی بیشتر باشد، برانگیختگی احساسی نیز شدت بیشتری خواهد داشت. این برانگیختگی

مواجه هستند که بررسی و رفع آنها می‌تواند به غنای بیشتر ادبیات تحقیق و ارتقای کیفیت مطالعات کمک کند. یکی از مهم‌ترین این خلأها توجه ناکافی به رفتار قلدرمآبانه زندانیان در ایران است. این عوامل می‌توانند نقش بسزایی در درک رفتار زندانیان داشته باشند و تحلیل دقیق‌تر این رفتارها را امکان‌پذیر سازند. عوامل فرهنگی و اجتماعی بومی ایران و مطالعات مقایسه‌ای و بین‌فرهنگی نیز از دیگر خلأهای موجود در ادبیات مرتبط است. انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی را در بروز مشکلات رفتاری زندانیان برجسته کند و زمینه‌ساز توسعه راهکارهای بومی و اثربخش برای مدیریت این مشکلات شود. همچنین، به تأثیرات جنسیتی که در مطالعات مرتبط کمتر توجه شده است، نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. این خلأها فرصت مناسبی را برای انجام پژوهش‌های نوآورانه فراهم می‌آورند که در نهایت می‌توانند به ارتقای وضعیت زندانیان و کاهش مشکلات رفتاری و روانی آنان کمک کنند؛ در نتیجه، برای پرکردن این خلأهای تحقیقاتی نیاز به انجام مطالعاتی است که عوامل متعدد و متنوع فردی و اجتماعی را به‌طور جدی در نظر بگیرند و شرایطی را تحلیل کنند که در شکل‌گیری رفتارهای قلدرمآبانه نقش دارند. تحقیق حاضر نیز با هدف کاهش این خلأها طراحی شده و تلاش داشته است تا گامی هرچند کوچک در پاسخ به این نیازهای پژوهشی بردارد.

مبانی نظری

ترنر (2007) در مقاله «خود، عواطف و خشونت^۱» با تأکید بر نظریه کنش متقابل نمادی تلاش می‌کند تا نقش عواطف و تعاملات آسیب‌زا را در شکل‌گیری رفتار خشونت‌آمیز و قلدری در بستر اجتماعی توضیح دهد. او بررسی خود را از مفهومی بنیادین یعنی «خود» آغاز می‌کند. از دیدگاه ترنر، «خود» سازه‌ای اجتماعی است که از طریق تعاملات مداوم با دیگران ساخته می‌شود و عمیقاً به عواطف گره خورده است. این احساسات نه تنها وضعیت‌های درونی فرد محسوب

¹ Turner

² "Self, emotions, and extreme violence: Extending symbolic interactionist theorizing."

احساسات منفی ایجاد کرده و فرد را به اعمال جایگزین مانند آسیب به خود یا دیگران تحریک می‌کنند. آگنیو می‌گوید یکی از این فشارها، فشاری است که کودک با شیوه‌های آزاردهنده مراقبت می‌شود. این روش‌ها باعث اختلال در رشد شخصیت کودک و ایجاد احساسات منفی می‌شوند. افراد برای مقابله با فشارها به روش‌های مختلفی روی می‌آورند. اگر مهارت‌های حل مسئله فرد توسعه‌یافته باشد، با فشارها به شیوه‌ای مثبت مقابله می‌کند. در غیر این صورت، فرد به منابع فشار آسیب می‌رساند یا به رفتارهای انحرافی روی می‌آورد. آگنیو بیان می‌کند که حوادث منفی در زندگی افراد، استراتژی‌های خاصی را برای مقابله با آنها ایجاد می‌کنند. یکی از این استراتژی‌ها جرم و انحراف است. او استدلال می‌کند که فشارها یا عوامل استرس‌زا می‌توانند با وجود حالات عاطفی منفی مانند خشم، سرخوردگی و ناامیدی افزایش یابند. این حالات باعث ایجاد فشار برای اقدامات اصلاحی می‌شوند و جرم می‌تواند یکی از این پاسخ‌ها باشد؛ در نهایت، آگنیو اشاره می‌کند که فشارها ناشی از شکست در دستیابی به اهداف مثبت ارزشمند و افزایش محرک‌های منفی است. افراد هنگامی که در فشار قرار می‌گیرند، دچار احساسات منفی می‌شوند و این احساسات منجر به رفتارهای انحرافی می‌شوند. (Agnew, 2001: 320-325)

کالینز^۲ (2009)، جامعه‌شناس برجسته آمریکایی، در مقاله «خشونت: نظریه جامعه‌شناسی خرد^۳» خشونت را در سطوح خرد جامعه بررسی کرده است. کالینز در این نظریه تأکید دارد که خشونت پدیده‌ای اجتماعی است که در تعاملات روزمره و موقعیت‌های خاص رخ می‌دهد و نمی‌توان آن را تنها به‌عنوان یک ویژگی فردی یا روانی تفسیر کرد. کالینز معتقد است که خشونت در موقعیت‌های تعاملی خاصی رخ می‌دهد. این موقعیت‌ها معمولاً شامل تعاملات چهره‌به‌چهره‌ای هستند که در آن افراد احساس می‌کنند باید از خود دفاع کنند یا موقعیت خود را در برابر دیگری حفظ کنند؛ به عبارت دیگر، خشونت بیشتر در شرایطی اتفاق می‌افتد که افراد در وضعیت رقابتی یا تنش‌زا قرار می‌گیرند. بهترین راه برای درک آن، تحلیل پویایی

احساسی باعث آزادسازی انرژی احساسی در موقعیت‌های اجتماعی می‌شود که در نتیجه، از طریق فرایندهای عصبی و مکانیسم‌های تدافعی پیچیده‌تر می‌شود؛ علاوه بر این، افراد هنگام ورود به هر موقعیت کنش متقابل، تجربه‌های گذشته خود را از نحوه نمایش احساسات و مکانیسم‌های تدافعی‌ای به همراه دارند که به‌طور عادت‌گونه از آنها استفاده کرده‌اند. این تجارب گذشته تأثیرات تراکمی بر تولید انرژی احساسی در کنش متقابل‌های جاری دارند؛ در نهایت، ترنر بر این باور است که برای درک کامل احساسات در کنش‌های اجتماعی باید به انتظارات فردی، میزان ناهمخوانی انتظارات و تجربه‌های گذشته او توجه کرد؛ زیرا این عوامل در شکل‌گیری و شدت احساسات نقش اساسی دارند (Turner, 2007: 134).

آگنیو^۱ (2001)، متفکر برجسته جامعه‌شناسی، با طرح نظریه فشار عمومی به چرایی وقوع رفتارهای خشونت‌آمیز و انحرافات اجتماعی پرداخته است. این نظریه بر این اساس استوار است که فشارهای روانی و اجتماعی می‌توانند محرکی برای رفتارهای خشونت‌آمیز، قلدری یا دیگر رفتارهای انحرافی باشند. آگنیو بیان می‌کند افراد زمانی که در فشارهای روانی یا اجتماعی قرار می‌گیرند، ممکن است به روش‌هایی مانند خشونت یا قلدری پاسخ دهند. فشار یا استرس می‌تواند ناشی از عوامل مختلف باشد که فرد را به سوی رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد. به‌طور کلی، این نظریه بر رابطه بین فشار و واکنش رفتاری فرد تأکید دارد. آگنیو سه نوع فشار عمده شامل عدم دستیابی به اهداف دلخواه، از دست دادن چیزی ارزشمند، رویارویی با تجربیات منفی را مطرح می‌کند که می‌توانند باعث ایجاد رفتارهای انحرافی مانند قلدری و خشونت شوند. نظریه فشار عمومی آگنیو فشار را به‌عنوان روابط منفی با دیگران توصیف می‌کند. این روابط زمانی رخ می‌دهند که دیگران با فرد طوری رفتار می‌کنند که با انتظارات وی سازگار نیست. فشارهایی که کودکان در زمینه‌های مختلف از جمله خانواده، محله، مدرسه و همسالان تجربه می‌کنند، می‌تواند به بزهکاری منجر شود. این فشارها

² Randall Collins

³ Violence: A Micro-Sociological Theory

¹ Agnew

شدت منع می‌شود. (Collins, 2009: 566-571)

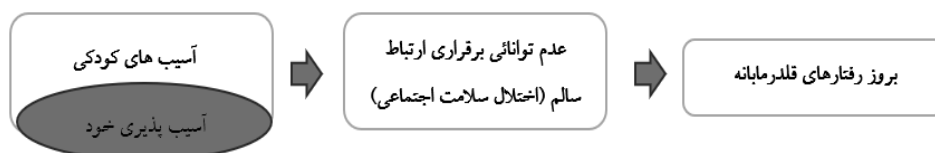
چارچوب نظری

براساس نظریه «خود، عواطف و خشونت» جاناتان ترنر، رفتارهای خشونت‌آمیز مانند قلدری، ناشی از ناتوانی فرد در تنظیم عواطف خود در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا یا تهدیدآمیز است. افرادی که در کودکی در گروه‌های خانوادگی، دوستان و نزدیکان آزار دیده‌اند (متغیر آزار در کودکی)، ممکن است در بزرگسالی در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا، به دلیل عدم توانایی در تنظیم عواطف خود، به رفتارهای قلدرمآبانه روی آورند. این رفتارها می‌تواند به‌عنوان راهی برای کنترل موقعیت‌های تهدیدآمیز و کاهش احساسات منفی عمل کند. به‌زعم او، زمانی که فرد در تعاملات اجتماعی احساس کند هویزش زیر سؤال رفته یا تهدید شده است. درواقع وقتی در کودکی آزار و اذیت می‌شود، ممکن است خود را از دیگران منزوی کند تا از آسیب بیشتر جلوگیری کند که می‌تواند چرخه‌ای از تنهایی و ناامیدی ایجاد کند. این انزوای اجتماعی دسترسی آنها به شبکه‌های حمایتی و تعاملات سالم را کاهش می‌دهد که برای رفاه عاطفی ضروری است و اعتماد و پیوستن به دیگران را تضعیف می‌کند (متغیر تقلیل سلامت اجتماعی) که ممکن است برای بازگرداندن حس اقتدار یا حفظ کنترل در موقعیت به خشونت و قلدری بین‌فردی روی آورد (متغیر قلدری). این موضوع به‌خصوص در بسترهایی بیشتر دیده می‌شود که خشونت به‌عنوان پاسخی درخور توجیه یا مشروع در برابر پریشانی عاطفی تلقی می‌شود. ترنر استدلال می‌کند افرادی که دارای خود شکننده و در معرض تهدید هستند و حامل ته‌نشست‌های ناخوشایند در هسته خود هستند، بیشتر با خشونت و قلدری پاسخ می‌دهند. این نظریه بر اهمیت «خود» تأکید دارد و معتقد است که خود حاوی تجارب گذشته و پایه‌گذار افکار، احساسات و رفتارهای ما در آینده است. احساسات منفی ناشی از آزارهای جسمی، روانی یا جنسی در کودکی می‌تواند به شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی - فردی پایدار منجر شود و سلامت اجتماعی و سلامت

خرد موقعیتی است که آن را ایجاد می‌کند. او بر این باور است که حتی افرادی که به نظر می‌رسد مستعد خشونت هستند، در موقعیت‌های خاصی ممکن است خشونت‌آمیز رفتار کنند. کالینز تأکید می‌کند که خشونت به‌راحتی اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا موانع روانی و اجتماعی زیادی وجود دارند که از بروز خشونت جلوگیری می‌کنند. او بر این باور است که خشونت بیشتر در شرایطی اتفاق می‌افتد که افراد احساس می‌کنند باید از خود دفاع کنند یا موقعیت خود را در برابر دیگری حفظ کنند. کالینز تأکید می‌کند که هیجان‌ها نقش کلیدی در بروز خشونت دارند. او معتقد است که خشونت، بیشتر با احساسات شدیدی مانند خشم، ترس یا تحقیر همراه است؛ باین‌حال، او همچنین نشان می‌دهد که خشونت می‌تواند با احساساتی مانند هیجان یا لذت نیز همراه باشد، به‌ویژه در شرایطی که افراد احساس قدرت یا کنترل بر دیگری دارند. کالینز همچنین به نقش گروه‌ها و هویت‌های جمعی در بروز خشونت اشاره می‌کند. او معتقد است که خشونت می‌تواند در چارچوب هویت‌های گروهی شکل بگیرد، به‌ویژه زمانی که گروه‌ها احساس می‌کنند هویت یا منافع آنها تهدید می‌شود. کالینز همچنین به رابطه بین خشونت و قدرت می‌پردازد. او معتقد است که خشونت، بیشتر به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت استفاده می‌شود؛ اما این قدرت همیشه به‌صورت یک‌طرفه نیست. در بسیاری از موارد، خشونت می‌تواند به‌عنوان واکنشی به نابرابری‌های قدرت یا به‌عنوان تلاشی برای تغییر توازن قدرت باشد. کالینز به نقش ساختارهای قدرت و نابرابری‌های اجتماعی در بروز خشونت توجه می‌کند. او معتقد است که خشونت می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت یا واکنشی به نابرابری‌های اجتماعی باشد. در جوامعی که نابرابری‌های شدید وجود دارد، خشونت می‌تواند به‌عنوان مکانیسم دفاعی یا اعتراضی ظاهر شود. کالینز به نقش زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری خشونت توجه می‌کند. او معتقد است که هنجارها، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی می‌توانند بر نحوه بروز خشونت تأثیر بگذارند. در برخی فرهنگ‌ها، خشونت ممکن است به‌عنوان رفتاری پذیرفته‌شده یا حتی تشویق‌شده تلقی شود، درحالی‌که در فرهنگ‌های دیگر به

و بیشتر دست به رفتارهای خشونت آمیز می‌زنند. این رفتارها می‌تواند به عنوان مکانیسمی برای مقابله با احساسات منفی و بازتولید تجربیات گذشته عمل کند.

روانی فرد را مختل کند. در واقع، افرادی که در کودکی آزار دیده‌اند، به دلیل عدم توانایی در تنظیم عواطف خود، نمی‌توانند روابط سالمی برقرار کنند به دیگران اعتماد کنند



نمودار ۱- مدل تبیینی متغیرهای تحقیق

Fig 1- Explanatory model of research variables

تمایل به مشارکت در پرکردن پرسش‌نامه بود. با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد اعضای نمونه و همچنین حفظ محرمانه بودن تعداد دقیق این گروه از زندانیان، با همکاری مسئولان دو زندان، تلاش شد تا پرسش‌نامه‌ها به حداکثر تعداد ممکن از اعضای این گروه توزیع و تکمیل شوند؛ در نهایت، ۱۶۱ نفر از زندان مرکزی شهر یزد و ۱۸۹ نفر از زندان مرکزی شهر شیراز انتخاب شدند که در مجموع ۳۵۰ نفر را تشکیل می‌دهند. توزیع پرسش‌نامه‌ها با تمایل و رضایت کامل پاسخ‌گویان انجام شد و جلب اعتماد و همکاری آنان، شرط اخلاقی ضروری برای تکمیل پرسش‌نامه بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به وسیله روش‌های آماری توصیفی، همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با نرم‌افزار SPSS انجام شد. طرح زمانی این پژوهش از نوع مقطعی است و فرایند جمع‌آوری داده‌ها به مدت ۳ ماه به طول انجامید. با استفاده از پرسش‌نامه‌های ترومای دوران کودکی، قلدری اولوئوس و سلامت اجتماعی کیز تحقیق حاضر اجرا شد.

پرسش‌نامه ترومای دوران کودکی

این پرسش‌نامه را برنستاین و همکاران^۱ (۲۰۰۳) به منظور سنجش تجارب نامطلوب کودکی توسعه داده‌اند. پرسش‌نامه پنج نوع از بدرفتاری دوران کودکی شامل سوءاستفاده جنسی،

روش پژوهش

پارادایم پژوهش حاضر، اثبات‌گرایی است. این پارادایم بر مبنای هستی‌شناسی واقع‌گرایانه استوار است و اذعان می‌دارد که واقعیت، وجودی عینی و مستقل از ذهن پژوهشگر دارد و قابل‌شناسایی از طریق به‌کارگیری روش‌های علمی و تجربی است. در راستای این پارادایم، رویکرد قیاسی در پیش گرفته شد؛ بدین معنا که پژوهش با اتکا به نظریه‌های موجود در زمینه قلدری، به تدوین فرضیه‌های مشخص مبادرت ورزید و سپس به آزمون تجربی آنها از طریق گردآوری داده‌ها پرداخت. به لحاظ روش‌شناختی، پژوهش از نوع کمی محسوب می‌شود و برای جمع‌آوری داده‌های عددی و تحلیل‌های آماری به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش تمرکز دارد. استراتژی پیمایشی به عنوان راهبرد اصلی تحقیق برگزیده شد. پیمایش در این پژوهش با هدف توصیف ویژگی‌های جامعه آماری، بررسی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیه‌های تحقیق به کار گرفته شد. داده‌ها از طریق تکنیک پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زندانیان مرد و زن زندان‌های مرکزی شهر یزد و شیراز است. دلیل انتخاب این دو زندان، به‌طور خاص، کمبود نمونه‌های مد نظر در یک زندان و همچنین دسترسی آسان به زندان‌های این دو شهر و همکاری کارکنان زندان‌ها با محقق بود. معیار حضور نمونه‌ها در این تحقیق، داشتن پرونده مجرمانه، انجام جرائم (مواد، سرقت، قتل، آدم‌ربایی، کلاهبرداری)، سابقه آزار کودکی و

¹ Bernstein et al.

این پرسش‌نامه استفاده شده است و از روایی و پایایی بسیاری برخوردار است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ به دست آمد.

یافته‌های توصیفی

جدول ۱- یافته‌های توصیفی

Table 1- Descriptive findings

سن	تحصیلات	وضعیت اقتصادی	وضعیت تاهل
۲۹ تا ۱۸ (۱۹/۲)	زیردیپلم (۴۱/۲)	خوب (۱۶/۴)	مجرد (۲۹/۴)
۴۲ تا ۳۰ (۴۶/۵)	دیپلم (۲۸/۰)	متوسط (۳۶/۸)	متاهل (۴۳/۵)
۵۵ تا ۴۳ (۲۱/۳)	لیسانس (۱۲/۵)	پایین (۳۸/۹)	مطلقه (۱۱/۸)
۵۶ و بالاتر (۴/۲)	فوق لیسانس (۴/۴)	-	-

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی در میان زندانیان به گروه سنی ۳۰ تا ۴۲ سال اختصاص دارد که ۶۷/۵ درصد از مجموع گروه‌های سنی طبقه‌بندی شده را شامل می‌شود و کمترین فراوانی در بین زندانیان مربوط به گروه سنی ۵۶ سال و بالاتر بود که ۴/۲ درصد از کل را شامل می‌شد. وضعیت تحصیلات نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی را تحصیلات زیردیپلم با میزان ۴۱/۲ درصد داشت و کمترین فراوانی مربوط به تحصیلات فوق لیسانس با میزان ۴/۴ درصد بود. در وضعیت اقتصادی بیشترین فراوانی مربوط به افراد با درآمد پایین با میزان ۳۸/۹ درصد، در درآمد متوسط ۳۶/۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به افراد با درآمد خوب بود که ۱۶/۴ درصد را شامل می‌شد. وضعیت تأهل نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی در میان زندانیان مربوط به افراد متأهل با میزان ۴۳/۵ درصد است و در افراد مجرد ۲۹/۴ درصد و کمترین فراوانی را افراد مطلقه با میزان ۱۱/۸ درصد به خود اختصاص داده‌اند.

سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده عاطفی و غفلت عاطفی و جسمی را سنجش می‌کند. در پژوهش برنستاین و همکاران (2003) ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه بر روی گروهی از نوجوانان با شاخص‌های سوءاستفاده عاطفی، سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جسمی و... بین ۰/۷ تا ۰/۹ بود. سعی شده است از فرم خلاصه پرسش‌نامه در تحقیق حاضر استفاده شود. آلفای کرونباخ برای مقیاس قلدری بیشتر از ۰/۷ به دست آمد.

پرسش‌نامه قلدری اولونوس

برای سنجش قلدری برگردان فارسی پرسش‌نامه قلدری اولونوس^۱ (1996) استفاده خواهد شد. این پرسش‌نامه به سنجش تجربیات دو ماه گذشته مربوط به قلدری افراد می‌پردازد. سؤالات این پرسش‌نامه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول سؤالاتی است که اطلاعات کلی راجع به قلدری به دست می‌دهد. ۸ سؤال رفتار قلدر را ارزیابی می‌کند. پایایی سؤالات از طریق اجرا در گروه ۵۰۰۰ نفری نروژی، حدود ۰/۸ یا بالاتر است. در بررسی حاضر، برای تحقیق حاضر تنها ۸ سؤال قلدری با شاخص ای آزار زبانی و مسخره کردن، طرد اجتماعی، آزار فیزیکی، شایعه‌پراکنی، سرقت یا آسیب به اموال، به زورگرفتن کالاهای فردی، تهدید و اجبار، توهین قومیتی، توهین جنسی و... سنجیده شد. آلفای کرونباخ برای مقیاس حاضر ۰/۸ به دست آمد.

پرسش‌نامه سلامت اجتماعی کیز

پرسش‌نامه سلامت اجتماعی توسط کیز^۲ (1998) به منظور سنجش سلامت اجتماعی طراحی و تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۲۰ سؤال در پنج بُعد انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شکوفایی اجتماعی و شاخص‌هایی چون تغییرات جامعه و تغییرات زندگی، ارتباط فرد با جامعه، اعتماد به اعضای جامعه و ایفای کار مفید به سنجش سلامت اجتماعی پرداخت. در بسیاری از تحقیقات

¹ Uleus

² Keyes

جدول ۲- توزیع درصدی گویه‌های آزار در کودکی به تفکیک ابعاد

Table 2- Percentage distribution of childhood abuse items by dimensions

انحراف معیار	میانگین	اصلا	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بیش از پنج	گویه
۱/۵۷۶	۳/۰۸	۲۵/۰	۱۴/۶	۱۶/۷	۱۴/۱	۲۹/۴	۰/۲	سوءاستفاده عاطفی (تهدید، تمسخر، توهین، فحش، دادکشیدن)
۱/۳۲۴	۲/۶۳	۲۷/۳	۲۰/۱	۲۴/۱	۱۸/۵	۹/۷	۰/۲	بی‌توجهی فیزیکی (نداشتن تغذیه مناسب، عدم مراقبت فیزیکی، پوشش مندرس و کتیف، نقص خواب، نداشتن ورزش منظم)
۱/۳۴۰	۲/۸۰	۲۲/۰	۱۹/۰	۲۸/۷	۱۵/۷	۱۴/۱	۰/۵	بی‌توجهی عاطفی (عدم توجه به نیازهای عاطفی، عدم توجه به احساسات، اهمیت‌ندادن، بی‌توجهی، عدم محبت)
۱/۳۸۳	۲/۴۱	۳۴/۰	۲۲/۲	۲۰/۴	۱۰/۴	۱۲/۰	۰/۹	آزار جسمی (کتک‌زدن، زخم کردن، گازگرفتن، کشیدن موها، ضربه‌زدن)
۱/۳۰۲	۲/۰۴	۵۱/۹	۱۴/۸	۱۶/۹	۹/۳	۶/۹	۰/۲	سوءاستفاده جنسی (تجاوز جنسی، آزار جنسی، خشونت جنسی، تحریک جنسی)
۱/۳۸۱	۲/۷۶	۲۵/۰	۱۹/۴	۲۵/۰	۱۵/۳	۱۵/۳	-	اختلال در عملکرد خانگی (فقر مالی، بی‌توجهی به خرید لوازم ضروری، مشکلات در پرداخت قبوض و مدیریت مالی)
۱/۳۸۹	۲/۶۷	۲۶/۹	۲۰/۶	۲۵/۲	۱۱/۸	۱۵/۳	۰/۲	خشونت خانوادگی (دعوا و کتک‌کاری، بی‌احترامی، دادوبیداد و فحش)
۱/۳۱۵	۲/۵۸	۲۷/۸	۲۱/۱	۲۶/۲	۱۴/۴	۱۰/۴	۰/۲	اجبار به انجام کار سخت

جدول ۲ گویه‌های آزار کودکی را به تفکیک شاخص‌ها نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود گویه سوءاستفاده عاطفی از طریق تهدید، تحقیر، فحش و بی‌توجهی عاطفی شایع‌ترین نوع آزاری است که کودکان تجربه می‌کنند و کمترین میانگین در گویه سوءاستفاده جنسی وجود دارد؛ بنابراین، آزار کودکان به اشکال مختلف و در ابعاد گسترده‌ای

رخ می‌دهد. سوءاستفاده عاطفی به‌عنوان شایع‌ترین نوع آزار، نشان‌دهنده اهمیت توجه به سلامت روان کودکان و ایجاد محیط‌های عاطفی امن برای آنها است. همچنین، آزار جسمی و سوءاستفاده جنسی نیز عواقب جدی برای سلامت جسمی و روانی کودکان دارند.

جدول ۳- توزیع درصدی گویه‌های قلدری به تفکیک ابعاد

Table 3- Percentage distribution of bullying items by dimensions

انحراف معیار	میانگین	اصلا	بسیار	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	بندون پاسخ	گویه
۱/۳۰۴	۲/۲۱	۴۳/۵	۱۸/۱	۲۰/۱	۱۰/۹	۷/۴	-	من زندانیان دیگر را با القاب و اسامی زشت صدا می‌زنم یا آنها را مسخره می‌کنم یا به طریقی آنها را آزار می‌دهم.
۱/۲۶۲	۲/۱۷	۴۳/۱	۲۰/۱	۲۰/۴	۱۰/۰	۶/۵	-	زندانی را از گروه زندانیان طرد کرده‌ام یا به‌طور کامل او را نادیده گرفته‌ام و به دلایل نادرست، او را خارج از فعالیت‌هایمان نگه داشته‌ام.
۱/۲۴۱	۲/۱۲	۴۵/۸	۱۶/۹	۲۲/۹	۸/۶	۵/۸	-	من، زندانی را کتک زده‌ام، لگد زده‌ام، هل داده‌ام، به این‌طرف یا آن‌طرف کشیده‌ام یا او را در مکانی بسته حبس کرده‌ام.
۱/۳۴۷	۲/۱۹	۴۶/۱	۱۱/۳	۲۴/۱	۹/۵	۸/۱	۰/۹	من درباره‌ی او شایعه‌پراکنی کرده‌ام و سعی کرده‌ام دیگران را از او متنفر کنم.
۱/۲۹۴	۲/۱۳	۴۶/۵	۱۲/۵	۲۴/۳	۹/۳	۶/۳	۱/۲	من بارها پول یا دیگر وسایل را از دیگر زندانی گرفته‌ام یا به او یا وسایلش آسیب رسانده‌ام.
۱/۳۰۵	۲/۰۹	۴۶/۸	۱۵/۰	۲۰/۴	۹/۷	۶/۵	۱/۶	من او را تهدید یا مجبور به انجام کارهایی کرده‌ام که مایل نبود آنها را انجام دهد.
۱/۳۳۶	۲/۱۰	۴۹/۸	۱۴/۶	۱۷/۶	۹/۷	۷/۹	۰/۵	من با نامیدن القاب و اسامی آزاردهنده و مسخره کردن قومیتش، او به زورگویی کرده‌ام.
۱/۳۷۵	۲/۲۱	۴۷/۰	۱۳/۷	۱۹/۲	۱۰/۶	۹/۳	۰/۲	من با القاب یا ایما و اشاراتی که معنای جنسی دارند، به او زورگویی کرده‌ام.

جدول ۳ گویه‌های قلدری را به تفکیک شاخص‌ها نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین میانگین در دو گویه «من زندانیان را با القاب و اسامی زشت» و «با القاب جنسی زورگویی کرده‌ام» با (۲/۲۱) درصد دیده می‌شود و کمترین میانگین در این بُعد مربوط به گویه «تهدید به انجام کارهایی که مایل نبود آنها را انجام دهد» با میانگین (۲/۰۹) درصد است.

جدول ۳ گویه‌های قلدری را به تفکیک شاخص‌ها نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین میانگین در دو گویه «من زندانیان را با القاب و اسامی زشت» و «با القاب جنسی زورگویی کرده‌ام» با (۲/۲۱) درصد دیده می‌شود و کمترین میانگین در این بُعد مربوط به گویه «تهدید به انجام کارهایی که مایل نبود آنها را انجام دهد» با میانگین (۲/۰۹) درصد است.

جدول ۴- آماره‌های توصیفی متغیر وابسته و مستقل

Table 4- Descriptive statistics of the dependent and independent variables

انحراف معیار	میانگین	تعداد گویه	ابعاد متغیر وابسته	حد وسط	دامنه	حداکثر	حداقل
۷/-	۲۰/-	۸	آزار در کودکی	۲۴	۳۰/۰۰	۴۰/۰۰	۸/۰۰
۸/۸۳	۱۷/۲۱	۸	رفتار قلدری	۲۴	۳۷/۰۰	۴۰/۰۰	۸/۰۰
۸/۶۸	۶۱/۰۶	۲۰	سلامت اجتماعی	۵۵	۶۰/۰۰	۹۰/۰۰	۲۰/۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، یافته‌های مربوط به آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که میزان میانگین در آزار کودکی -/۲۰ درصد است. که این مقدار از حد وسط (-/۲۴) پایین‌تر است. در رفتار قلدری میانگین ۱۷/۲۱ درصد را شامل

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، یافته‌های مربوط به آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که میزان میانگین در آزار کودکی -/۲۰ درصد است. که این مقدار از حد وسط (-/۲۴) پایین‌تر است. در رفتار قلدری میانگین ۱۷/۲۱ درصد را شامل

شده که این میزان از حد وسط (-/۲۴) پایین تر است. فرضیه ۱: به نظر می رسد میزان قلدری در گروه های جرائم زندانیان تفاوت دارد. در مجموع سلامت اجتماعی نیز میانگین ۶۱/۰۶ درصد بوده که از حد وسط (-/۵۵) بالاتر است.

جدول ۵- آزمون تحلیل واریانس تفاوت گروه های جرائم زندانیان بر حسب قلدری

Table 5- Analysis of variance test for differences between prisoner crime groups in terms of bullying.

متغیر	ابعاد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	sig
جمع قلدری جرم	مواد، شوتی	۸۵	۲۹/۰۹	۱۴/۰۸	۷/۲۹	۰/۰۰۱
	سرقت	۱۱۱	۴۱/۶۲	۱۵/۲۶		
	کلاهبرداری، مالی	۱۱۸	۴۰/۸۷	۱۷/۱۱		
	درگیری، قتل	۲۷	۳۳/۸۵	۱۴/۹۵		
	آدم ربایی	۵	۲۹/۲۰	۲۲/۷۰		
	جنسی	۱۱	۴۹/۷۲	۸/۹۵		
	سایر	۱۱	۲۸/۱۸	۱۷/۰۵		

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۱

بیشترین میانگین قلدری در گروه جرم جنسی و گروه جرائم قتل و درگیری و کمترین قلدری در سایر مشاهده می شود؛ بنابراین، میزان قلدری در گروه های جرم متفاوت است.

نتایج تحلیل واریانس جدول ۵ نشان می دهد که میزان قلدری در میان گروه های جرم با مقدار ۷/۲۹ و سطح معنی داری (۰/۰۰۱) تفاوت دارد. پس فرض صفر رد می شود و فرض مخالف پذیرفته می شود. همان طور که نتایج نشان می دهد،

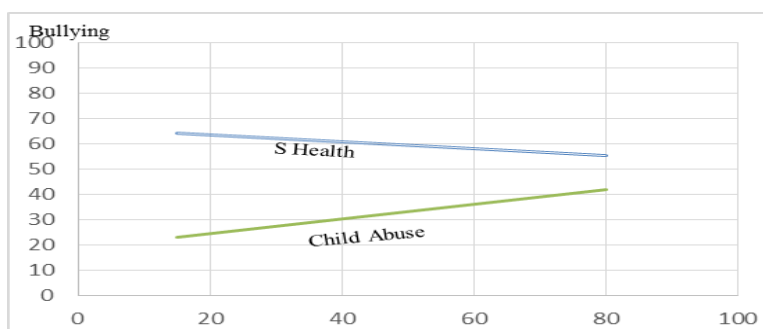
جدول ۶- ماتریس همبستگی متغیرهای وابسته و مستقل

Table 6- Correlation matrix of dependent and independent variables

متغیر	کودکی	قلدری	سلامت اجتماعی
آزار در کودکی	۱	-	-
قلدری	۰/۴۰۳**	۱	-
سلامت اجتماعی	-۰/۲۶۲**	-۰/۲۴۱**	۱

است و ضعیف ترین رابطه بین قلدری و وضعیت اقتصادی مشاهده شد. با توجه به اطلاعات به دست آمده از جداول، فرضیه های پژوهش تأیید شد.

یافته های جدول ۶ نشان می دهد که بین قلدری و متغیرهای مستقل کودکی، سلامت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. قوی ترین رابطه بین دو متغیر کودکی و قلدری



نمودار ۲- همبستگی متغیرهای تحقیق

Fig 2- Correlation of research variables

جدول ۷- معادله رگرسیونی چندگانه

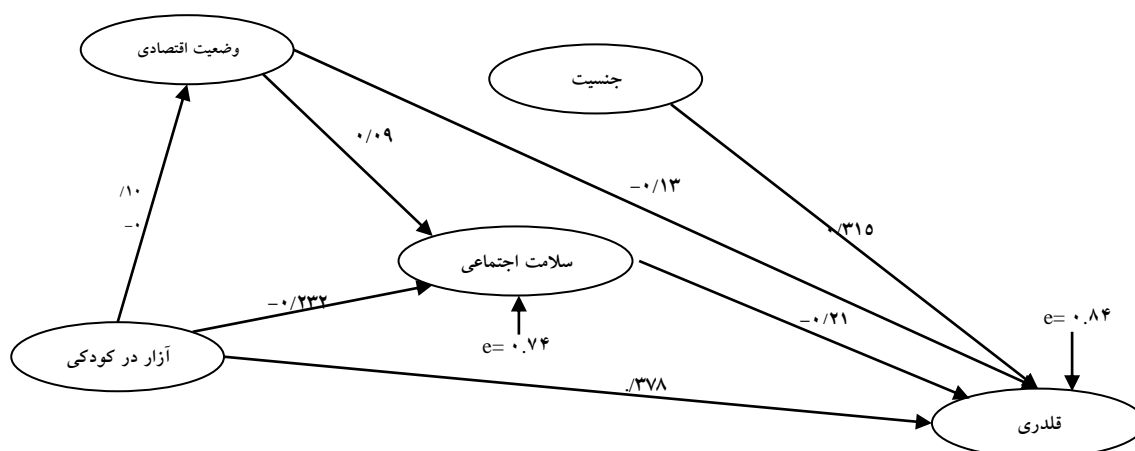
Table 7- Residual coefficients in the multiple regression equation

تورم واریانس	تولرانس	سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
					B	خطای معیار	
-	-	/۰۰۱	۵/۰۳۵	-	۳/۳۲۸	۱۶/۷۵۹	ثابت
۱.۰۷۶	/۹۲۹	/۰۰۱	۸/۱۱۳	۰/۳۷۸	/۰۴۲	/۳۴۱	آزار در کودکی
۱.۰۱۹	/۹۸۱	/۰۰۱	-۷/۴۸۶	-۰/۳۱۵	-۰/۷۹۳	-۵/۹۳۵	جنسیت
۱.۰۵۷	/۸۴۶	/۰۰۱	-۳/۴۲۴	-۰/۲۱	/۰۴۶	-/۱۵۷	سلامت اجتماعی
۱.۰۱۸	/۸۲۲	/۰۳	-۲/۹۵۳	-۰/۱۳	/۴۱۲	-/۱۳۳	وضعیت اقتصادی
			ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه	
			۰/۲۹۶		۰/۳۰۴	۰/۴۴۴	

قلدری

وضعیت مطلوب مشاهده می‌شوند و داده‌ها از استقلال نسبی برخوردارند و رگرسیون برای پیش‌بینی مناسب است. در ادامه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در نمودار و جدول تحلیل مسیر ارائه می‌شود.

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که حدود ۰/۳۰۴ واریانس متغیر وابسته قلدری زندانیان از سوی ترکیب خطی متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. سایر تغییرات متغیر وابسته قلدری زندانیان منوط به عدم بررسی متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیر گذارند. میزان دو آماره تولرانس و عامل تورم نیز در



نمودار ۳- تحلیل مسیر متغیرهای تأثیرگذار بر قلدری زندانیان

Fig 3- Path analysis of variables affecting prisoner bullying



جدول ۸- محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر قلدری

Table 8- Calculation of direct and indirect effects of independent research variables on bullying

تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل	
۰/۳۷۸	۰/۲۳۲	۰/۶۱	آزار در کودکی
-۰/۱۵	-	-۰/۱۵	سلامت اجتماعی
-۰/۱۳	-۰/۰۹	۰/۲۲	وضعیت اقتصادی
-۰/۳۱۵	-	-۰/۳۱۵	جنسیت

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که متغیر آزار کودکی با میزان ۰/۶۱ بیشترین میزان تأثیرگذاری را در متغیر وابسته قلدری برخوردار است؛ به طوری که این متغیر با ۰/۳۸ اثر مستقیم و ۰/۲۳ اثر غیرمستقیم بر متغیر قلدری تأثیر می‌گذارد. جنسیت با ۰/۳۱ اثرگذاری مستقیم رتبه بعدی را به خود اختصاص می‌دهد. متغیر سلامت اجتماعی دارای تأثیر مستقیم به میزان ۰/۱۵ است؛ در حالی که وضعیت اقتصادی با تأثیر کلی ۰/۱۳ بر نتایج تأثیر می‌گذارد.

بحث و نتیجه

قلدری در زندان‌ها موضوعی فراگیر است که به طور چشمگیری بر زندگی افراد زندانی تأثیر می‌گذارد. این پدیده به رفتارهای پرخاشگرانه زندانیان به یکدیگر اشاره دارد که غالباً با پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت نامطلوبی در زندان همراه است؛ بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ در همین راستا، پژوهش حاضر نقش آزار در کودکی و سلامت اجتماعی بر پدیده قلدری را در دو زندان شیراز و یزد بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ۶۷/۵٪ از زندانیان، قلدری متوسط روبه بالا و ۵۳/۳٪ قلدری پایین را گزارش کرده‌اند که بیشترین میزان قلدری در کاربرد القاب جنسی و مفاهیم غیرمتعارف، ایما و اشاراتی با بار معنای جنسی، برانگیختن تفر به قربانی است. همچنین مطالعه حاضر نشان می‌دهد که درصد بالایی از زندانیان شیراز و یزد، ترومای کودکی را تجربه کرده‌اند؛ به طوری که ۷۹٪ از

زندانیان حداقل یک مورد ترومای کودکی را گزارش کرده‌اند و ۴۵٪ نیز تعداد بیشتری را تجربه کرده‌اند و ۴۸٪ تجاوز جنسی یک بار و بیشتر از یک بار را گزارش کرده‌اند.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد زندانیانی که تجربه آزار دیدگی در کودکی داشته‌اند، رفتارهای قلدرمآبانه بیشتری از خود نشان می‌دهند. این ارتباط بر اهمیت تجارب اولیه زندگی و تأثیرات آن بر تداوم رفتارهای منفی در بزرگسالی تأکید دارد. نظریه‌های جامعه‌شناختی متعددی این ارتباط را تبیین می‌کنند. نظریه خشونت ترنر (2007) بیان می‌کند که تعاملات اولیه با اطرافیان، نقش کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای قلدرمآبانه فرد دارد. براساس این نظریه، تجربه ناملايمات و آزار بین فردی در سنین کودکی می‌تواند به احساسات منفی و اختلال در تعاملات منجر شود که به نوبه خود می‌تواند باعث قلدری در بزرگسالی و رفتارها و روابط ناهنجار شود. او می‌گوید «خود» سازه‌ای اجتماعی است که از طریق تعاملات با دیگران شکل می‌گیرد و عواطف در این فرایند نقشی بنیادین دارند. انتقال احساسات مثبت می‌تواند خودپنداره را تقویت کند؛ با این حال، احساسات منفی مانند آزار و تحقیر می‌توانند آن را به خطر بیندازند. ترنر تأکید دارد که برانگیختگی عاطفی شدید، به ویژه در شرایطی که فرد خودپنداره‌اش مختل می‌شود، می‌تواند موجب خشونت شود. او همچنین معتقد است که انتظارات فرد از موقعیت‌های اجتماعی و میزان ناهمخوانی آن با تجربیات واقعی، تأثیر زیادی بر رفتار اجتماعی و تعاملات اجتماعی دارند. در واقع

در جامعه دامن می‌زند، بلکه بر شکل‌گیری و حفظ روابط اجتماعی سالم نیز تأثیرات مخربی می‌گذارد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند زندانیانی که آزار دوران کودکی را تجربه کرده‌اند، از سلامت اجتماعی کمتری برخوردارند و قلدری بیشتری از خود بروز می‌دهند. در واقع نتیجه حاضر استدلال می‌کند که پیامد آزار کودکی، خود به صورت اختلال در رفتار، عملکرد و تعامل اجتماعی بروز می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر به روشنی با نظریه پوتنام (2000) تبیین می‌شود. به باور پوتنام کودکانی که در معرض خشونت قرار می‌گیرند و خشونت را در تعامل خانوادگی و دوستانه و اطرافیان نزدیک تجربه می‌کنند، اعتماد خود را به دیگران از دست می‌دهند و انزوا و عدم مشارکت را انتخاب می‌کنند. در فعالیت‌های اجتماعی کمتر مشارکت می‌کنند؛ بنابراین، آنها از شبکه‌های حمایتی و دوستانه دوری می‌کنند و کمتر درگیر تعاملات اجتماعی مثبت و سازنده می‌شوند. از منظر آگنیو (2001) تجربه‌های نامطلوب کودکی می‌توانند به عنوان محرک‌های منفی عمل کنند که فشار روانی زیادی بر فرد وارد می‌کنند و به طیف وسیعی از حالات‌های هیجانی منفی منجر شوند. این احساسات در واکنش به فشارهایی مانند عدم وابستگی، نبود همدلی، ناامنی وجودی و هویتی و... شکل می‌گیرند. افراد در نتیجه این فشارها احساس نامطلوب داشته و احساسات آنها با پیامدهای منفی دائمی تقویت می‌شوند. این فشارها می‌توانند منجر به احساس ناامیدی، خشم و ناتوانی در فرد شوند. در زندان این فشارها ممکن است تشدید شوند و فرد را به سمت رفتارهای انحرافی مانند قلدری سوق دهند. قلدری ممکن است به عنوان راه‌حلی برای مقابله با این فشارها یا انتقام‌جویی از محیطی عمل کند که فرد در آن احساس ناتوانی می‌کند. آزار در مراحل مختلف زندگی بالأخص در کودکی، آنها را در معرض اشکال مختلف سوءاستفاده قرار داده است و در اعمال خشونت، پرخاشگری را در روابط عادی کرده و منجر به چرخه‌ای مضر شده است که در

وقتی کودکی آزار و اذیت می‌شود، ممکن است خود را منزوی کند تا از آسیب بیشتر جلوگیری کند که این می‌تواند چرخه‌ای از تنهایی و ناامیدی برای او ایجاد کند. این انزوای اجتماعی دسترسی آنها به شبکه‌های حمایتی و تعاملات سالم را کاهش می‌دهد که برای رفاه عاطفی ضروری است.

همسو با ترنر، نظریه هویت اجتماعی تاجفل (1982) مبحث ارزشمندی را برای بحث درباره پیامدهای آزار دیدگی در کودکی و تأثیر آن بر حضور اجتماعی و مشارکت افراد در عرصه اجتماعی فراهم می‌کند. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که افراد هویت خود را از طریق تعاملات سازنده با خانواده، دوستان و اطرافیان شکل می‌دهند. کودکانی که در این گروه‌ها آزار و اذیت می‌شوند، بیشتر احساس بی‌ارزشی، بی‌اعتمادی و طردشدگی را درونی می‌کنند. این احساسات می‌تواند آنها را وادار به دسته‌بندی خود در گروه‌های منفی و فاقد ارزش کند که همین مسئله دیدگاه آنان به خود و دیگران را تغییر می‌دهد و هویت روان‌شناختی و اجتماعی آنان را تضعیف می‌کند. پیامد این امر، کاهش مشارکت اجتماعی و تداوم چرخه‌های رفتاری غیرسازنده در جامعه است. نگرش‌های منفی به دیگران، احساس ناامنی ارتباطی و ناپایداری تعلق به دیگران می‌تواند به کاهش مدارا و همسویی رفتاری با دیگران منجر شود. از منظر دیگری، یادگیری اجتماعی نیز مسئله آزار و خشونت را تحلیل می‌کند. براساس این نظریه، تجربه‌هایی نظیر توهین، غفلت عاطفی، آزار کلامی و جنسی از طریق مشاهده و تقلید از دیگران، به‌خصوص در بستر خانواده و تعاملات با همسالان یا نزدیکان آموخته می‌شود و ادامه می‌یابد. این افراد، بیشتر با ضعف ارتباطی و فقدان تعلق اجتماعی روبه‌رو هستند که خود زمینه‌ساز رفتارهای ضداجتماعی می‌شود. چنین شرایطی می‌تواند کودکان را به سمت قلدری سوق دهد. آنها با ورود به بزرگسالی، خشونت و قلدری را به عنوان راه‌حلی برای مواجهه با چالش‌ها می‌پذیرند و ترویج می‌دهند. این فرایند، نه تنها به چرخه خشونت

اجتماعی و اقتصادی در تحلیل رفتارهای قلدری است. همچنین، یافته‌ها به اهمیت ارائه آموزش‌های مهارتی و اجتماعی به زندانیان اشاره دارد تا آنها بتوانند به‌طور مؤثرتری با رفتارهای قلدری مقابله کنند و سلامت روانی خود را ارتقا دهند.

در نهایت، پژوهش حاضر بر ضرورت توجه به تجارب دوران کودکی و حمایت‌های اجتماعی در کاهش قلدری و آزارهای کودکان تأکید می‌کند. ایجاد محیط‌های امن و حمایتی برای کودکان و نوجوانان، به‌ویژه در شرایط آسیب‌زا، می‌تواند به کاهش عواقب منفی طولانی‌مدت این تجارب کمک کند. همچنین، سیاست‌گذاران باید به بهبود وضعیت زندان‌ها و ارائه خدمات مشاوره و درمان برای زندانیان توجه بیشتری داشته باشند تا بتوانند از بروز قلدری و رفتارهای خشونت‌آمیز در این محیط جلوگیری کنند؛ بنابراین، این پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به مداخلات اجتماعی و روانی برای حمایت از قربانیان آزار در دوران کودکی و نیز زندانیان وجود دارد؛ در نهایت، تلاش برای قطع چرخه خشونت و قلدری از طریق آموزش و حمایت‌های اجتماعی می‌تواند به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی این افراد و کاهش رفتارهای قلدری در جامعه کمک کند.

منابع فارسی

ایار، ع. و افرا، ه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفتارهای خشونت‌آمیز پسران جوان (مورد مطالعه شهر ایلام). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۱ (۵۷)، ۵۵-۷۴. <https://doi.org/10.22034/ssys.2022.1899.2350>

خلیلی‌نژاد رشت‌آباد، م.، آور، ز.، رحمتی توسعه‌کله، ف. و نعمت‌پور درزی، ا. (۱۴۰۳). رابطه تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و قلدری سایبری با نقش میانجی صفات سه‌گانه تاریک در نوجوانان. *سلامت روان کودک*، ۱۱ (۱)، ۳۱-۴۶. <http://childmentalhealth.ir/article-I-1397-fa.html>.

دهستانی، م.، مهدوی، س. ع.، پسندیده، م. و نیک‌نفس، خ. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های خودمدیریتی بر

آن قربانیان به‌نوبه خود، این رفتار را بر دیگران اعمال می‌کنند. از نظر کیز (1998) کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد. فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوب دارد که اجتماع را به‌صورت مجموعه‌ای معنادار و قابل‌فهم برای خودش کوفایی‌اش بداند و احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم بداند. در واقع زمانی شخص را واجد سلامت اجتماعی برمی‌شماریم که بتواند فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف بروز دهد و با اعضای جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال کند. به‌زعم کیز از جمله مزایای بالقوه زندگی عمومی، یکپارچگی و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی احساس تعلق و وابستگی، درک آگاهی مشترک و داشتن سرنوشت جمعی. این مزایای زندگی اجتماعی اساس و بنیان برای تعریف جهانی و کلی از سلامت اجتماعی است (Keyes, 1998).

پژوهش حاضر تجربه آزار در کودکی و تأثیر آن را بر سلامت اجتماعی و قلدری زندانیان بررسی می‌کند و نتایج آن به‌روشنی نشان می‌دهد که این دو پدیده دارای تأثیرات عمیق و ماندگاری اجتماعی افراد هستند. تجارب ناملازمات دوران کودکی به‌ویژه در شکل‌گیری رفتارهای قلدری در بزرگسالی نقش بسزایی دارند. این یافته‌ها تأکید می‌کند که زندانیانی که تجارب آزار در دوران کودکی را دارند، به‌احتمال بیشتری در بزرگسالی به رفتارهای قلدری دست می‌زنند و با مشکلات تعاملی بیشتری مواجه می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که تحصیلات و طبقه اجتماعی نیز در بروز قلدری تأثیرگذار هستند. افرادی که در طبقات پایین‌تر اجتماعی و با تحصیلات کمتر قرار دارند، بیشتر در معرض قلدری و رفتارهای پرخاشگرانه قرار می‌گیرند. این موضوع نشان‌دهنده ضرورت توجه به عوامل

- 11(43), 71-95. [In Persian]. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-753-fa.html>
- Arseneault, L., Bowes L., & Shakoor, S. (2010). Bullying victimization in youths and mental health problems: Much ado about nothing? *Psychological Medicine*, 40(5), 717-729. http://journals.cambridge.org/abstract_S0033291709991383
- Agnew, R. (2001). Building on the foundation of general strain theory: specifying the types of strain most likely to lead to crime and delinquency. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38(4), 319-361. <https://doi.org/10.1177/0022427801038004001>
- Ayar, A., & Afra, H. (2022). Investigating the relationship between social capital and violent behaviors of young people in Ilam. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 21(57), 55-74. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/ssys.2022.1899.2350>
- Burke, C., Ellis, J. D., Peltier, M. R., Roberts, W., Verplaetse, T. L., Phillips, S., Moore, K. E., Marotta, P. L., & McKee, S. A. (2022). Adverse childhood experiences and pathways to violent behavior for women and men. *Journal of Interpersonal Violence*, 38(3-4), 4034-4060. <https://doi.org/10.1177/08862605221113012>
- Collins, R. (2009). The micro-sociology of violence. *The British Journal of Sociology*, 60(3), 566-576. <https://doi.org/10.1111/j.1468-4446.2009.01256.x>
- Dehestani, M., Mahdavi, A., Pasandideh, M. M., & Niknafs, K. (2019). The effectiveness of self-management training program on bullying and social acceptance among offenders. *Educational Psychology*, 15(53), 161-181. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/jep.2020.40923.2637>
- Farahmand, M., & Sharooni, M. (2022). The role of social loneliness, failure and religiosity in ruminating the anger of prisoners. *Social Psychology Research*, 11(44), 145-164. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/spr.2022.255632.1586>
- Ford, K., Bellis, M. A., Hughes, K., Barton, E. R., & Newbury, A. (2020). Adverse childhood experiences: A retrospective study to understand their associations with lifetime mental health diagnosis, self-harm or suicide attempt, and current low mental wellbeing in a male welsh prison population. *Health & Justice*, 8(1), 1-13. <https://doi.org/10.1186/s40352-020-00115-5>
- Goossens, E., Maes, E., Robert, L., Daems, T., & Mertens, A. (2023). Victimization in prison. a study of victimization and prison climate dimensions in Belgian prisons. *Victims & Offenders*, 20(2), 387-421. <https://doi.org/10.1080/15564886.2023.2282978>
- رفتار قلدری و مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان پسر زندانی. *روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵(۵۳)، ۱۶۱-۱۸۱. <https://doi.org/10.22054/jep.2020.40923.2637>
- ذوقی، ل.، عینی‌پور، ج.، و کریم‌آبادی، ف. (۱۳۹۹). رابطه خودشیفتگی و قلدری با متغیر میانجی سلامت روانی در دانش‌آموزان. *آموزش در علوم انتظامی*، ۸(۲)، ۱۵۳-۱۷۵. <https://www.magiran.com/p2227262>
- ره‌نورد واقف، م.، موسوی‌مجاب، س. د. و فرجیها، م. (۱۴۰۲). مصونیت‌یابی در زندان از طریق توسل به خشونت؛ پیش‌فرض‌های فرهنگی. *دادگستری*، ۱۷(۱۲۴)، ۲۸۹-۳۲۹. <https://doi.org/10.22106/jlj.2023.1989627.5195>
- شادمفعت، س. م. و رحمتی، م. (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی قلدری سایبری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان با تأکید بر تئوری کنش موقعیت‌مند. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۳(۲)، ۱۴۹-۱۷۲. <http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3492-fa.html>
- عدیلی، ه. و سردرای، ب. (۱۳۹۹). اثربخشی مداخله مبتنی بر تنظیم هیجانی بر کاهش رفتارهای قلدری و افزایش همدلی دانش‌آموزان قلدر دوره متوسطه اول. *کودکان استثنایی*، ۲۰(۴)، ۱۰۵-۱۱۸. <http://joec.ir/article-1-1267-fa.html>
- عرب‌نژاد، ف. و یزدان‌پناه، ل. (۱۳۹۰). عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳)، ۹۵-۷۱. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-fa.html>
- فرهمند، م. و شرونی، م. (۱۴۰۰). نقش تنهایی اجتماعی، ناکامی و دین‌داری بر نشخوار خشم زندانیان. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۱(۴۴)، ۱۴۵-۱۶۶. <https://doi.org/10.22034/spr.2022.255632.1586>

References

- Adili, H., & Sardari, B. (2021). Effectiveness of emotion regulation training on reducing bullying behaviors and increasing empathy among middle-school bully Students. *Exceptional Children*, 20(4), 105-118. [In Persian]. <http://joec.ir/article-1-1267-fa.html>
- Arabnezhad, F., & Yazdanpanah, L. (2011). Factors related to violence among youths aged between 18-35 in Kerman prison. *Social Welfare Quarterly*,

614. <https://nsuworks.nova.edu/tqr/vol25/iss3/3>
- Momose, Y., & Ishida, H. (2024). Bullying experiences in childhood and health outcomes in adulthood. *PLOS One*, *19*(7), 1-20. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0305005>
- Merrin, G. J., Wang, J. H., Kiefer, S. M., Jackson, J. L., Pascarella, L. A., Huckaby, P. L., Blake, C. L., Gomez, M. D., & Smith, N. D. W. (2023). Adverse childhood experiences and bullying during adolescence: A systematic literature review of two decades. *Adolescent Research Review*, *9*(3), 513–541. <https://doi.org/10.1007/s40894-023-00229-5>
- Milnes, K., Turner-Moore, R., & Gough, B. (2022). Towards a culturally situated understanding of bullying: Viewing young people's talk about peer relationships through the lens of consent. *Journal of Youth Studies*, *25*(10), 1367-1385. <https://doi.org/10.1080/13676261.2021.1965106>
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of american community*. Simon & Schuster Press.
- Krug, E. G., Dahlberg, L. L., Mercy, J. A., Zwi, A. B., & Lozano, R. (Eds.). (2002). *World report on violence and health*. World Health Organization.
- Rahnavard-Vaqef, M., Mousavi-Mojab, S. D., & Farajiha, M. (2023). Immunity in prison through resorting to violence: Cultural presumptions. *The Judiciarys Law Journal*, *87*(124), 289-329. [In Persian]. <https://doi.org/10.22106/jlj.2023.1989627.5195>
- Shadmanfaat, S. M., & Rahmati, M. M. (2023). Sociological explanation of cyberbullying among Gilan university students with emphasis on situated action theory. *Social Problems of Iran*, *13*(2), 149-172. [In Persian]. <http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3492-fa.html>
- Sheffler, J. L., Stanley, I., & Sachs-Ericsson, N. (2020). ACEs and mental health outcomes. In G. J. G. Asmundson & T. O. Afifi (Eds.), *Adverse Childhood Experiences: Using Evidence to Advance Research, Practice, Policy, and Prevention* (pp. 47–69). Elsevier Academic Press. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-816065-7.00004-5>
- Tomlinson, C. A., Shin, S. H., Corso, C., & Jiskrova, G. K. (2024). Patterns of adverse childhood experiences and mental health symptoms among young adults. *Children and Youth Services Review*, *161*, 107680. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107680>
- Tajfel, H. (1982). *Social identity and intergroup relations*. Cambridge University Press.
- Turner, J. H. (2007). Self, emotions, and extreme violence: Extending symbolic interactionist theorizing. *Symbolic Interaction*, *30*(4), 501-530. <https://doi.org/10.1525/si.2007.30.4.501>
- Terzioğlu, C., & Ayhan, F. (2023). The effect of Glaeser, E. L., & Sacerdote, B. (1999). Why is there more crime in cities? *Journal of political economy*, *107*(S6), S225-S258. <https://doi.org/10.1086/250109>
- Hassan, N. (2023). Deprivation and importation measures as predictors of bullying perpetration in young correctional institutions. *Sage Open*, *13*(4), 1-13. <https://doi.org/10.1177/21582440231204415>
- Hikmat, R., Suryani, S., Yosep, I., Jeharsae, R., Pramukti, I., Sriati, A., Rafiyah, I., & Purnama, H. (2024). The effect of empathy training on bullying behavior in juvenile prisoners: A quasi experiment. *Journal of Multidisciplinary Healthcare*, *17*, 4177–4188. <https://doi.org/10.2147/jmdh.s479364>
- Holland, D., Ireland, J. L., & Muncer, S. (2009). Impulsivity, attribution and prison bullying: bully-category and perpetrator-victim mutuality. *International Journal of Law and Psychiatry*, *32*(2), 84–91. <https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2009.01.004>
- International Centre for Prison Studies. (2020). <http://www.prisonstudies.org/country/Iran>
- Keyes, C. L. M. (1998). Social well-being. *Social Psychology Quarterly*, *61*(2), 121-140. <https://doi.org/10.2307/2787065>
- Khalilnejad-Rashtabad, M., Avar, Z., Rahmati-Tosekale, F., & Nematpour-Darzi, A. A. (2024). Relationship between experiences of childhood trauma and cyberbullying with the mediating role of dark triad traits in adolescents. *Journal of Child Ment Health*, *11*(1), 31-46. [In Persian]. <http://childmentalhealth.ir/article-1-1397-fa.html>
- Lambie, I., & Reil, J. (2020). I was like a kid full of revenge: self-reported reasons for sexual offending by men who were sexually abused as children. *Journal of Sexual Aggression*, *27*(3), 373–386. <https://doi.org/10.1080/13552600.2020.1820088>
- Liu, H., Ackert, L. F., Chang, F., Oyeler, R. U., Qi, L., & Shi, Y. (2022). Childhood trauma among Chinese inmates. *China Economic Review*, *73*, 101794. <https://doi.org/10.1016/j.chieco.2022.101794>
- López-Pérez, B., Hanoch, Y., Holt, K., & Gummerum, M. (2015). Cognitive and affective empathy, personal belief in a just world, and bullying among offenders. *Journal of Interpersonal Violence*, *32*(17), 2591–2604. <https://doi.org/10.1177/0886260515593300>
- Lereya, S. T., Samara, M., & Wolke, D. (2013). Parenting behavior and the risk of becoming a victim and a bully/victim: A meta-analysis study. *Child Abuse & Neglect*, *37*(12), 1091-1108. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2013.03.001>
- Lemon, L. L., & Hayes, J. (2020). Enhancing trustworthiness of qualitative findings: Using Leximancer for qualitative data analysis triangulation. *The Qualitative Report*, *25*(3), 604-

- parents' childhood traumas on violence tendencies. *Anatolian Journal of Health Research*, 4(2), 39-45. <https://doi.org/10.29228/anatoljhr.69221>
- Wilkinson, R., & Pickett, K. (2009). *The spirit level: Why more equal societies almost always do better*. Allen Lane
- Zoghi, L., Ainipour, J., & Karimabadi, F. (2019). The relationship between narcissism and bullying with the mediator variable of mental health in students. *Quarterly Journal of Education in Law Enforcement Sciences*, 8(2) 153-175. <https://www.magiran.com/p2227262>